

تولد بازار در شهر ایرانی

ارزیابی دیدگاه‌ها و فرضیات مرتبط با پیدایش نخستین بازارها در ایران

محمد صالح شکوهی بیدهندی^۱

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

دریافت: ۲۴ دی ۱۴۰۰

پذیرش: ۲۰ تیر ۱۴۰۱

(صفحه ۱۱۷ - ۱۰۳)

شیدا شادکام^۲

کلیدواژگان: بازار، ایران، تاریخ شهر، هخامنشیان، سلوکیان.

چکیده

هزاران سال است که تأمین نیازهای متنوع انسان‌ها از طریق تبادل تولیدات با انسان‌های دیگر صورت می‌پذیرد. این امر سبب احداث فضاها و مکان‌های ویژه‌ای به نام بازار به شکل‌های گوناگون شده است. از سال‌های بسیار دور، بازار یکی از عناصر مهم شکل‌دهنده سازمان فضایی شهرهای ایران بوده است، اما صاحب‌نظران در مورد مبدأ و منشأ پیدایش بازار اتفاق نظر ندارند. در خصوص زمان پیدایش بازار دست‌کم دو فرض متفاوت مطرح است. سیدمحسن حبیبی پیدایش بازار را به دوران هخامنشیان منسوب کرده و بازار را از عناصر شار پارسی دانسته است. اما برخی دیگر از محققان مانند جهان‌شاه پاکزاد تولد بازار را مربوط به دوران سلوکی می‌دانند و در واقع ریشه یونانی برای آن قائل هستند. در مقاله حاضر، که مطالعه‌ای بنیادین و کیفی و اسنادی است، تلاش می‌شود تا ضمن تبیین هردو نظر، بر پایه مستندات و شواهد تاریخی موجود، نظیر یافته‌های باستان‌شناسی و روایات تاریخی، فرضیه محتمل‌تر مشخص گردد. از آنجاکه هدف از این پژوهش بررسی مبدأ پیدایش بازار در ایران است، به مطالعه شواهد آن تنها در دوران باستان و قبل از اسلام پرداخته شده است. بر پایه یافته‌های پژوهش، هردو دیدگاه (فرضیه تولد بازار در دوران

هخامنشیان و فرضیه منشأ یونانی بازار) رد می‌شود. به بیان دیگر پیدایش نخستین بازارها در شهرهای ایران به دوران قبل از سلوکیان و حتی پیش از هخامنشیان بازمی‌گردد و سکونتگاه‌های باستانی ایران نیز دارای نوعی بازار بوده‌اند.

مقدمه

چه منشأ شکل‌گیری سکونتگاه‌های اولیه انقلاب هیدرولوژیک و مازاد تولید دانسته شود، چه برای آنها منشأ فرهنگی در نظر گرفته شود، و چه منشأ اقتصادی را برای سکونتگاه‌های اولیه باور کنیم، این حقیقت قابل‌تصدیق است که مفهوم شهر و روابط مدنی با تبادل بی‌ارتباط نیست. معاملات اولیه گرچه ممکن است به صورت کالا به کالا و محدود بوده باشند، اما احتمالاً نیازمند فضایی برای انبار و فضایی برای تجارت بوده‌اند. به علاوه احتمالاً تأمین امنیت کالاها نیازمند ضابطین و ضوابط خاص خود بوده که شاید از اولین وظایف حاکمان شهرها بوده است. از زمانی که خریدوفروش با پول

۱. نویسنده مسئول

shokouhi@iust.ac.ir

۲. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای،

دانشگاه علم و صنعت ایران

sheyda.sdkm97@gmail.com

پرسش‌های تحقیق

– بازار در شهرهای ایران برای اولین بار در چه دوره‌ای دیده شده است؟

همراه می‌شود، به تدریج تجارت مفهوم پیچیده‌تری می‌یابد. شکل‌گیری بازارها احتمالاً نشان‌دهنده تبلور فضایی این نظام اقتصادی جدید است.

بازار یک واژه فارسی است، ریشه پیدایش این نهاد بزرگ اقتصادی به تاریخ پیش از اسلام برمی‌گردد. بازار مرکز تجمع بخش بزرگی از فعالان اقتصادی شهری، اعم از تولیدکنندگان صنایع دستی و کارگاهی و فروشندگان و تجار عمده و خرده‌پا بوده است. بسیاری از تحولات اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی تاریخ ایران در بازار رخ داده است.^۳ بازار در اصطلاح یعنی: «منطقه‌ای معین، در دست مجموعه افرادی خاص که به تناسب حرفه خویش و عرضه و تقاضایی که در جامعه وجود دارد، به تنهایی یا گروهی دادوستد می‌کنند».^۴

اگرچه بازار در دوران اسلامی به شکوه و بلندی رسید و به یکی از مهم‌ترین فضاهای شهری تبدیل گشت، اما ریشه و مبدأ پیدایش آن به دوران قبل از اسلام بازمی‌گردد. در واقع بازار در ایران باستان شکل گرفته و در دوران اسلامی به اوج بلوغ خود رسیده است. در مورد مبدأ و منشأ پیدایش بازار در شهرهای ایرانی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. سیدمحسن حبیبی معتقد است که در شهرهای دوران ماد بازار هنوز به درستی شکل نگرفته بود. به تعبیر وی «در این شار [دوران مادی] مفهوم بازار هنوز در مرحله جنینی قرار دارد و بافت و ساخت کالبدی آن مراحل آغازین خود را می‌گذراند».^۵ سپس در دوران هخامنشیان «بازار در شهر تولد می‌یابد».^۶ در مقابل برخی دیگر مانند جهانشاه پاکزاد منشأ بازار را مربوط به دوره سلوکیان می‌دانند و معتقدند در دوران هخامنشی در سراسر ایران یک بازار هم نبوده است.^۷ در واقع صاحب‌نظران در این مقوله رأی مشترکی ندارند و در تأیید هر کدام از این دو فرضیه استدلال‌هایی را طرح می‌کنند. در مقاله حاضر تلاش می‌شود، با بررسی شواهد موجود، فرضیه محتمل‌تر مشخص و معرفی شود.

۱. مبانی نظری

۱.۱ دیدگاه اول: پیدایش بازار در دوره هخامنشیان

دیدگاه اول در خصوص پیدایش بازار در شهرهای ایرانی این است که بازار در دوره مادها در مرحله جنینی قرار گرفته و در دوران هخامنشیان متولد شده است. به‌طور مثال حبیبی ضمن اشاره به مفهوم شهر و شهرگرایی در دوران ماد، اظهار داشته است که بازار در این دوره در مراحل اولیه تکامل قرار دارد.

۳. رحیم شبانه، «بازار و بازاریان در تمدن

اسلامی»، ص ۹۷.

۴. همان، ص ۹۹.

۵. محسن حبیبی، از شار تا شهر، ص ۷.

۶. همان، ص ۱۰.

۷. جهانشاه پاکزاد، تاریخ شهر و

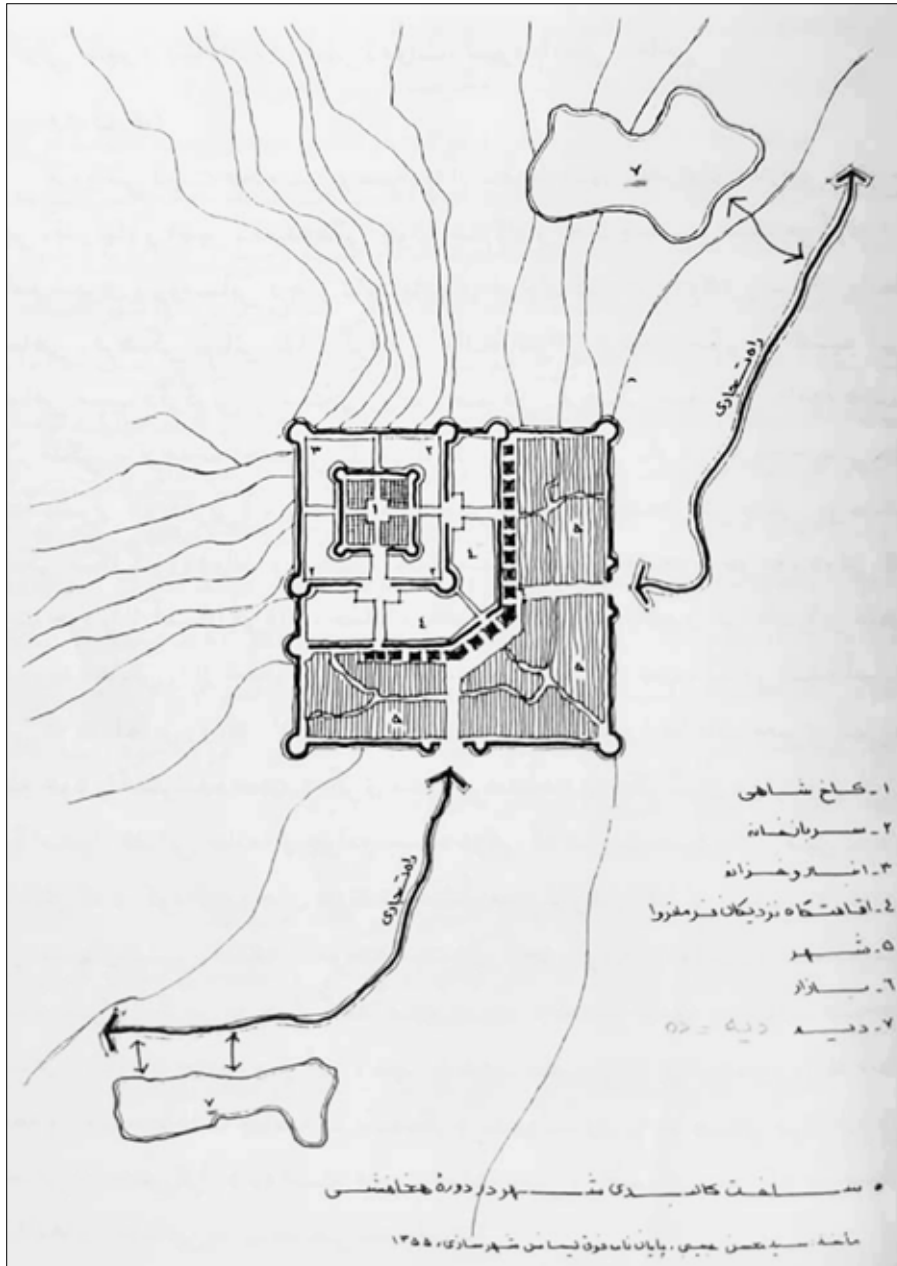
شهرنشینی در ایران از آغاز تا دوران

قاجار، ص ۶۹.

۸. حبیبی، همان، ص ۷.

۹. همان، ص ۱۰.

۱. نقشه شار پارسی بر اساس دیدگاه حبیبی (در این نقشه بازار با علامت خچین نشان داده شده است)، مأخذ: حبیبی، از شار تا شهر، ص ۱۵.



وی در این باره گفته است:

شار مادی در این مرحله عبارت است از قلعه‌ای محکم و قوی بر فراز تپه یا نقطه سوق الجیشی خاص که در دامنه و در پس دیوارهایش نقاط زیستی کوچک و بزرگ پراکنده‌اند. شار مادی در این مرحله بیش از هر چیز تبلور قدرت قاهر متمرکز و ورای طبقات است. در این شار مفهوم بازار هنوز در مرحله جنینی قرار دارد و بافت و ساخت کالبدی آن مراحل آغازین خود را می‌گذراند.^۸ اما حبیبی تولد بازار را منسوب به دوران هخامنشیان می‌داند و عقیده دارد، بازاری که در دوران مادها در مرحله جنینی بود، با ورود به دولت هخامنشی متولد می‌شود و کالبد می‌یابد. وی در این باره نوشته است:

دستیابی به آسیای صغیر و فتح لیدیه با سازمان بازرگانی بسیار پیشرفته، دولت هخامنشی را با عنصر جدیدی به نام پول در معاملات تجاری مواجه می‌سازد. روابط کالا با کالا جای خود را به روابط کالا - پول - کالا و سپس پول - کالا - پول می‌دهد. برای نخستین بار شهر یا شار پارسی مرکزی برای استقرار چنین رابطه‌ای می‌گردد. شار نظامی - کشاورزی دوران ماد جای خود را به شار نظامی - بازرگانی پارسی در سرحدات و شار بازرگانی - کشاورزی سرزمین‌های میانی می‌دهد. ایجاد اولین انجمن‌های مالی و صرافی در شارهای پارسی تأکیدی بر این امر است. اما آنچه که در این مفهوم تغییر نمی‌یابد، وحدت اجتماعی کار است، دولت هخامنشی، به‌عنوان قدرت فائقه، تسلط بی‌چون و چرای خویش را بر همه سطوح بازرگانی و تجاری و صنعتی می‌گستراند. اشرافیت قبیله‌ای به سرعت در کارهای بازرگانی و تجاری وارد می‌شود. امتزاج کشاورزی و صنعت و تجارت نهادی شده و مهر خود را بر شار دوران هخامنشی می‌زند. شار پارسی علاوه بر آنکه محل استقرار و تمرکز قدرت مذهبی و حکومتی است، مرکز اقتصادی و بازرگانی نیز می‌گردد. بازار در شهر تولد می‌یابد.^۹

حبیبی شار را در دوران مختلف قبل از اسلام اعم از مادها، هخامنشی، اشکانی، سلوکی، و ساسانی بررسی و نقشه‌ای نیز

از کالبد شار برای هریک از این دوره‌ها ترسیم کرده است. این نقشه‌ها نمایانگر وجود بازار در ادوار مختلف پس از مادهاست و مکان بازار در آن به روشنی ترسیم شده است. البته شایان ذکر است که نقشه‌های نام‌برده الگویی ذهنی و شماتیک هستند و به یافته‌های باستان‌شناسی یک یا چند شهر مشخص مستند نیستند. این نقشه‌ها برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود ایشان بوده و منبع و مأخذ دیگری برای آن معرفی نگشته است و از این حیث قابل نقد هستند (ت ۱).

۲.۱. دیدگاه دوم: پیدایش بازار در دوره سلوکیان

گروهی دیگر از محققان و صاحب‌نظران معتقدند بازار در ایران در دوره سلوکیان متولد شده است. به بیان دیگر، برخلاف دیدگاه اول، وجود تولد بازار قبل از دوران سلوکیان را نفی می‌کنند و آن را عنصری وارداتی از تمدن یونان به حساب می‌آورند. به‌طور مثال پاکزاد سکونتگاه‌های اولیه در ایران را تشریح می‌کند و همچنین به اوضاع سیاسی- نظامی، اقتصادی، فرهنگی- مذهبی، اداری، و کالبدی دوره‌های مختلف می‌پردازد. وی ضمن بررسی شرایط اقتصادی ایران در عهد هخامنشیان، به نقل از هرودوت، بازگو می‌کند که بازار در این دوره در ایران وجود نداشته و کوروش یونانیان را به این خاطر تمسخر می‌کرده است. پاکزاد در این باره می‌نویسد:

از نشانه‌های سازمان شهری کم‌رشد شرق زاگرس برای نمونه می‌توان به آن اشاره کرد که در این مناطق تقسیم کار پیشرفته میان کشاورزی، صنعت، و تجارت پدید نیامده بود. دلیل عدم پیشرفت در این زمینه چیرگی فرهنگ کوچ‌روی و اقتصاد دامداری بود؛ چراکه کشاورزی و تجارت به فرهنگ یک‌جانشینی وابسته است. حتی هرودوت اعلام می‌کند که در میان ایرانیان هیچ رسم نیست که در بازارهای عمومی خریدوفروش کنند و در سراسر کشور یک بازار هم ندارند.^{۱۰}

بنابراین بر اساس این دیدگاه بازار در دوران هخامنشیان وجود

نداشته و از زمان سلوکیان تحت تأثیر تمدن یونان شکل گرفته و در واقع موافقان این دیدگاه برای بازار ریشه یونانی قائلند. مهم‌ترین مستند برای این ادعا نیز نقل قولی از مورخ یونانی، هرودوت، است.

مشاهده می‌شود که آنچه حبیبی تحت عنوان «وحدت اجتماعی کار» می‌شناسد، پاکزاد با عنوان «فقدان تقسیم کار پیشرفته» می‌خواند. درحقیقت هر دو به یک مفهوم اشاره دارند. برخلاف شهرهای قرون وسطایی در اروپا که بورگ با فتودال‌ها در تضاد بود (زیرا، از یک‌سو، فتودال‌ها از کاروان‌هایی که برای تجارت به سمت بورگ‌ها می‌رفتند و از زمین‌های فتودال‌ها عبور می‌کردند عوارض می‌گرفتند و از سوی دیگر، متقابلاً اگر سرف‌ها^{۱۱} موفق می‌شدند از زمین‌های فتودال‌ها فرار کنند و خود را به بورگ برسانند، آزاد محسوب می‌شدند. به این ترتیب جامعه شهری و روستایی در اروپا در مقابل هم قرار می‌گرفتند)، در ایران این تضاد وجود نداشت و چه بسا پیوندهای طایفه‌ای میان گروه‌هایی از سه جامعه ایلی، روستایی، و شهری برقرار بود و موجب همکاری ایشان می‌شد. حبیبی از این موضوع با نگاه مثبت یاد می‌کند و آن را وحدت می‌خواند، اما درست همین موضوع مورد نقد پاکزاد است؛ زیرا پاکزاد انتظار دارد مشابه الگوی بورگ‌ها و فتودال‌ها (که زمین‌های فتودال‌ها به کشاورزی اختصاص داشت و بورگ‌ها مراکز صنعت و تجارت به حساب می‌آمدند)، در ایران نیز تقسیم کار میان جامعه شهری و روستایی وجود می‌داشت.

سلطان‌زاده نیز شکل‌گیری بازار را به دوران ساسانیان مرتبط می‌داند و می‌گوید:

در اغلب شهرهای ایران تا پیش از دوره ساسانیان محلی برای خریدوفروش برخی از کالاها وجود داشته است، اما با توجه به ساخت اقتصادی کشور و کارکرد شهرها، به‌جز شهرهای بندری در سایر شهرها، بازار به‌عنوان عنصر مهم شهری که دادوستد و تولید بعضی از کالاها در تمام طول سال در آن جریان داشته

۱۰. پاکزاد، همان، ص ۶۹
 ۱۱. Serf این واژه را باید در بستر تاریخی اروپای قرون وسطی و روابط فتودالیسم تعریف کرد، اما برای تقریب مفهوم به ذهن خواننده، شاید بتوان آن را نزدیک به تعبیر رعیت در نظر گرفت، گرچه به لحاظ حقوقی میان مفهوم سرف و رعیت تفاوت وجود دارد.

تلاش می‌شود تا با استناد به شواهد باستان‌شناسی به‌جامانده از سکونت‌گاه‌های هخامنشی و پیش از آن (به‌ویژه شهر سوخته و دهانه غلامان)، و نیز شواهد دیگر نظیر اسطوره‌ها، افسانه‌ها، و متون به‌جامانده از روایات تاریخی، بررسی تناقضات و ناسازگاری‌های موجود در اظهارات نویسندگان و سایر شواهد موجود، این دو فرضیه اثبات یا رد شوند. منظور از تحقیق مبتنی بر شواهد، گونه‌ای از تحقیق است که در آن، با اتکا به نمونه‌ها و مدارک موجود و با تطبیق ویژگی‌های آنها، فرضیات موجود ارزیابی می‌شود.^{۱۳} این روش پیش‌تر در حوزه علوم پزشکی کاربرد داشته، اما امروزه در حوزه‌های مختلف علوم و از جمله علوم انسانی نظیر تاریخ و باستان‌شناسی نیز کاربرد یافته است. این نقد نسبت به باستان‌شناسان و مورخان وارد است که در بسیاری موارد فرضیه‌هایی را طرح می‌کنند که اساساً ابطال‌پذیر نیستند.^{۱۴} به‌همین دلیل، در مطالعه حاضر تلاش شده تا ضمن بررسی یک موضوع تاریخی (منشأ و مبدأ پیدایش بازار در ایران)، روش مباحثه در مورد گذشته شهرهای ایران از شکل گزاره‌های توصیفی و اثبات‌ناپذیر یا رندشدنی به‌سوی عرضه گزاره‌هایی با استدلال منطقی و ابطال‌پذیر سوق داده شود.

۳. یافته‌ها

۱.۳. شاهد اول: یافته‌های باستان‌شناسی

در نتیجه کاوش‌های باستان‌شناسان در سکونتگاه‌های فلات ایران پیش از آریایی‌ها، شواهدی مبنی بر وجود بازرگانی در این شهرها کشف شده است. بسیاری از این شواهد مانند وجود کارگاه‌های صنعتی، نواحی اختصاصی فعالیت‌های بازرگانی، نموده‌های کالبدی راسته‌های تجاری، و... نشان‌دهنده وجود روابط تجاری و بازرگانی و نمود نوعی بازار در سکونتگاه‌های ایران باستان است که در ادامه هریک از این شواهد تشریح می‌شود.

الف) وجود روابط بازرگانی و کارگاه‌های صنعتی در سکونتگاه‌های

باشد، هنوز شکل نهایی خود را نیافته بود. در دوره ساسانیان در اثر رواج بازرگانی داخلی و توسعه شهر و شهرنشینی چنین فضایی پا به عرصه وجود نهاد. در دولت ساسانی عنصر بازار در معنایی که اکنون از آن داریم کالبد پیدا می‌کند. بازار به‌عنوان ستون فقرات شهر از دل شارستان شروع می‌گردد و دامنه خود را به شار بیرونی می‌گستراند و در مسیر خود محلات را شکل می‌دهد.^{۱۲}

دیدگاه سلطان‌زاده البته نسبت به نگاه پاکزاد وجوه تمایزی دارد، از جمله اینکه وجود فضاهایی برای خریدوفروش در شهرها را می‌پذیرد و حتی به‌طور ضمنی تأیید می‌کند که در شهرهای بندری، حتی پیش از ساسانیان نیز، فضایی دائمی برای خریدوفروش وجود داشته است.

میان این دو دیدگاه اگرچه وجوه مشترکی هست، اما در مورد بود یا نبود بازار در دوره هخامنشیان به‌صراحت می‌توان شاهد دو نگاه متناقض بود. وجه تشابه دو دیدگاه این است که هردو معتقدند در این دوره تقسیم اجتماعی کار میان سه جامعه شهری، ایلی، و روستایی وجود ندارد، اگرچه یکی از مورخان با عبارت «وحدت اجتماعی کار» و دیگری با عبارت «نبود تقسیم کار پیشرفته» از این موضوع یاد می‌کنند. اما تفاوت بارزی، که محل بررسی در این پژوهش است، مربوط به بود یا نبود تبلور کالبدی بازار در شهرهای هخامنشیان است. در ادامه شواهد موجود در این خصوص بررسی خواهند شد.

۲. روش تحقیق

مقاله حاضر مطالعه‌ای بنیادین، کیفی، و اسنادی است. بدین منظور، دو فرضیه بررسی می‌شود:

– بازار در شهرهای ایران برای اولین بار در دوران سلوکیان دیده شده است.

– بازار در شهرهای ایران برای اولین بار در دوران هخامنشیان دیده شده است.

در مقاله حاضر که یک «تحقیق مبتنی بر شواهد» است

۱۲. حسین سلطان‌زاده، تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران (از دوران باستان تا ۱۳۵۵ ه.ش)، ص ۷۶.
۱۳. نک:

Paul P. Glasziou & Les M. Irwig, "An Evidence Based Approach to Individualising Treatment"; M. Hammersley, *Educational Research and Evidence-based Practice*; K.D.S. Mendes, "Integrative Literature Review: a Research Method to Incorporate Evidence in Health Care and Nursing".

۱۴. رابرت بدناریک، آفرینش گذشته انسان: معرفت‌شناسی باستان‌شناسی پلینستوسن، ص ۳۵.

باستانی: سلطان زاده در کتاب خود، ضمن بررسی پیشینه تاریخی بازار به شواهدی مبنی بر وجود نوعی روابط بازرگانی (که می‌تواند مؤید وجود بازار باشد) در شهرهای باستانی اشاره می‌کند و می‌گوید:

ببرند. بر اساس این اسناد، در سکونتگاه‌های دوره ماد پیشه‌وران به‌صورت سازمان‌یافته به کار اشتغال داشته‌اند و در محل‌های آنان نیز ظاهراً فضای بازار به‌صورتی متمایز از شکل آن در شهر بود.^{۱۸}

نمونه‌های متعددی از سکونتگاه‌هایی که اقتصادشان متکی بر تولید صنایع دستی بوده در نقاط گوناگون ایران یافت شده است که از آن جمله می‌توان به تپه زاغه در دشت قزوین (اواخر هزاره هفتم ق.م)، تپه سیلک در جنوب غربی کاشان (هزاره ششم ق.م)، تپه حسنلو در جنوب غربی دریاچه ارومیه (هزاره ششم ق.م)، تل ابلیس در منطقه بردسیر کرمان (هزاره پنجم ق.م)، تپه یحیی در فاصله ۲۲۵ کیلومتری جنوب کرمان (هزاره پنجم ق.م)، خبیص (شهداد) در ناحیه کرمان (هزاره چهارم ق.م)، شهر سوخته در سیستان (هزاره سوم ق.م)، و سکونتگاه‌های ایلامی (هزاره چهارم ق.م به بعد) اشاره کرد که شواهدی مبنی بر وجود کارگاه‌های صنایع دستی و فضاهای بازرگانی در آنها پیدا شده است.^{۱۵}

ب) یافته‌های باستان‌شناسی شهر سوخته: به‌طور مشخص در مورد شهر سوخته یافته‌های دقیق‌تری وجود دارد که با تفصیل بیشتری قابل بررسی هستند. سلطان زاده در مورد شهر سوخته به کنکاش پرداخته و آن را یکی از کهن‌ترین شهرهای شناخته‌شده در دنیا، که در آن ناحیه‌های ویژه فعالیت‌های تولیدی از سایر نواحی متمایز شده بود، معرفی می‌کند. وی درباره شواهد وجود بازار در شهر سوخته چنین اظهار کرده است:

بسیاری از فعالیت‌ها و فضاهای صنعتی در ناحیه معینی واقع در بخش غربی شهر، که آن را ناحیه کارگاه‌های صنعتی خوانده‌اند، استقرار یافته بود. گویا ناحیه کوچک‌تری نیز در بخش شرقی شهر به فعالیت‌های صنعتی اختصاص یافته بود. ناحیه دیگری در بیرون از فضای اصلی شهر و در ۲/۵ کیومتری جنوب غربی تپه مرکزی حفاری شده و به فعالیت‌های مربوط به سفالگری اختصاص یافته بود. به این ترتیب نوعی منطقه‌بندی شهری بر اساس انواع فعالیت‌های تولیدی و بازرگانی در آن شهر شکل گرفته بود و می‌توان اظهار داشت که بازار یا منطقه تولیدی-بازرگانی به‌عنوان ناحیه‌ای مستقل در شهر به تدریج به شکل نهایی خود نزدیک شد.^{۱۹}

برخی شواهد تاریخی دیگر نیز می‌تواند نشانگر وجود بازار در ایران باستان باشد. به‌طور مثال در باب‌های هشتم و چهاردهم *وندیداد* به انواع کارگاه‌های صنعتی مانند کارگاه‌های آهنگری، شیشه‌گری، نقره‌سازی، طلاسازی، و ذوب فلزات و نیز برخی از مقررات مربوط به زمان کار در آنها اشاره شده است.^{۱۶} همچنین بر اساس اظهارات گرانوسکی و دیگران، در برخی از سکونتگاه‌های دیگر مانند تپه حسنلو نشانه‌هایی از کارگاه‌های فلزکاری یا سفالگری دیده شده است. با ورود به دوران ماد، و بر اساس شواهد موجود، در آن سکونتگاه‌ها پیشه‌وران به‌صورت سازمان‌یافته به کار اشتغال داشته‌اند و در نواحی آنان نیز فضای بازار به‌صورتی متمایز از شهر شکل گرفته بود.^{۱۷} پیگولوسکایا نیز معتقد است که بدون شک در سده هشتم پیش از میلاد، پیشه‌وران در ماد وجود داشته‌اند؛ زیرا در کتیبه‌های شاهان آشوری آمده است که در اثر پیروزی بر قبایل ماد، شاهان آشوری توانستند عده کثیری پیشه‌ور را با خود به کشور خویش

بر طبق این نظر، شهر سوخته یک شهر باستانی پیش از مادها دارای نوعی فضای بازرگانی متمایز از فضای شهری بوده که می‌تواند مؤید نوعی بازار باشد.

همچنین سیدسجادی نیز با گردآوری چندین مقاله مرتبط با شهر سوخته، کتابی منتشر کرده است. در مقاله سوم این کتاب با موضوع گسترش شهرنشینی در نیمه شرقی فلات ایران، شهر سوخته، در طی دوران شکوه خود، پایتخت منطقه‌ای معرفی شده که از نظر تجاری و بازرگانی و تولید، ارتباطات نیرومندی

۱۵. سلطان زاده، *بازارهای ایرانی*، ص ۱۲.
 ۱۶. سیدمحمدعلی حسینی داعی الاسلام، *وندیداد*، ص ۹۹-۱۳۷.
 ۱۷. آ. گرانوسکی و دیگران، *تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز*، ص ۵۰.
 ۱۸. ن.و. پیگولوسکایا و دیگران، *تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی*، ص ۱۳.
 ۱۹. سلطان زاده، همان، ص ۱۳.

اصناف ریسندهگان، رنگرزان، و پشم‌بافان نیز در آنجا پدید آمده بود.^{۲۰} این گونه مشاغل سازمان‌یافته، که در شکل کارگاه‌های تخصصی بخشی از فضای شهری را به صورت جداگانه اشغال کرده‌اند، می‌تواند به نوعی نمود وجود بازار صنعتی و تجاری در شهر باشد. به نظر می‌رسد، با توجه به تبدلات فرهنگی بالا میان ایلامیان و سومری‌ها، ایلامیان نیز از این شکل از فضای تجاری بی‌خبر نبوده‌اند؛ چنان‌که در ادامه نیز شواهدی مبنی بر وجود بازار در شهرهای ایلامیان عرضه شده‌اند.

مجیدزاده در کتابش به شرح شرایط تمدن ایلام از ابتدا تا افول آن می‌پردازد. او ضمن بررسی شرایط سیاسی تمدن ایلام، اشاره می‌کند که حکومت ایلام به صورت یک اتحادیه بوده است و بخش‌های گوناگون این امپراتوری، که از جلگه‌ی شوش تا رشته کوه‌ها و دره‌های انشان را در بر می‌گرفت، بی‌شک دارای گونه‌ای استقلال داخلی بودند. چنین تشکیلات حکومتی هم به سود فرمانروایان و هم به سود مردم بود؛ زیرا دادوستدی متقابل را میان ساکنان جلگه‌های حاصلخیز جنوب با کشاورزی پیشرفته و ساکنان مناطق کوهستانی شمال

با شرق و غرب داشته است؛ او این را نشانگر وجود نوعی بازار مبادلات منطقه‌ای در این شهر باستانی دانسته است.^{۲۰} سیدسجادی در بخش دیگری از کتاب از شواهدی مبنی بر وجود بازارهای بین‌المللی در این شهر خبر می‌دهد، او در این باره قید کرده است:

درحالی‌که کارگاه‌های صنعتی در تپه یحیی و شهر سوخته تقریباً هم‌زمان هستند، اما محصولات تولیدی در این کارگاه‌ها متفاوت بوده‌اند. مقدار سنگ لاجورد پیدا شده در تپه یحیی کم بوده و به همین نسبت مقدار بسیار کمتری سنگ صابون یا کلرایت در شهر سوخته پیدا شده است. وجود همین اختلاف بین محصولات تولیدی این دو محل نشان‌دهنده آن است که مقدار تقاضا برای مصرف این محصولات در بازارهای مصرفی خود فلات ایران کم بوده و در عوض هردوی این شهرها برای پاسخ‌گویی به نیازهای بازارهای بزرگ بین‌المللی آن روز و به‌ویژه میان رودان به کار تولید می‌پرداخته‌اند.^{۲۱}

بر این اساس، شهر سوخته عنوان بازار بین‌المللی را در ایران باستان یدک می‌کشد و ظاهراً مرکزی برای تبادلات با ملل دیگر بوده است (ت ۲).

پ) شواهد مبنی بر نمود کالبدی بازار در تمدن ایلامی‌ها: در جلد اول کتابی که به سرپرستی یونسکو نگاشته شده، به فعالیت‌های باستان‌شناسی در شهر اور در سومر (متعلق به هزاره دوم پیش از میلاد)، که هم‌زمان با تمدن ایلام بوده، اشاره شده است. این حفاری‌ها نشان‌دهنده وجود بخشی از ناحیه مسکونی در شهر بوده که در آن راسته‌هایی وجود داشته است. در دو سوی این راسته‌ها دکان‌هایی و قسمت‌هایی از آن راسته‌ها نیز دارای سایبان‌هایی بوده است. این راسته‌ها را می‌توان نمونه‌های کهن بازارها به شکل خطی دانست. همچنین با سایر کاوش‌ها در دیگر بخش‌های این شهر آثاری نیز از محلات مربوط به پیشه‌وران و ... به دست آمده است که حاکی است حتی تشکیلات صنفی متمایز و سازمان‌یافته‌ای مانند

۲۰. سیدمنصور سیدسجادی، «شهر سوخته و جایگاه آن در تاریخ باستانی فلات ایران»، ص ۷۶.
 ۲۱. همان، ص ۳۹.
 ۲۲. گروهی از دانشمندان جهان به سرپرستی یونسکو، تاریخ پیشرفت علمی و فرهنگی بشر، ص ۱۳۱.

ت ۲. شهر سوخته از سه بخش مسکونی (شامل خانه‌ها، معابد، و بناهای یادمانی)، صنعتی، و گورستان تشکیل شده است، مأخذ: <https://www.google.com/amp/s/saednews.com/fa/post/aashnaii-ba-shgfti-hai-shhr-sokhth-zabl/amp>



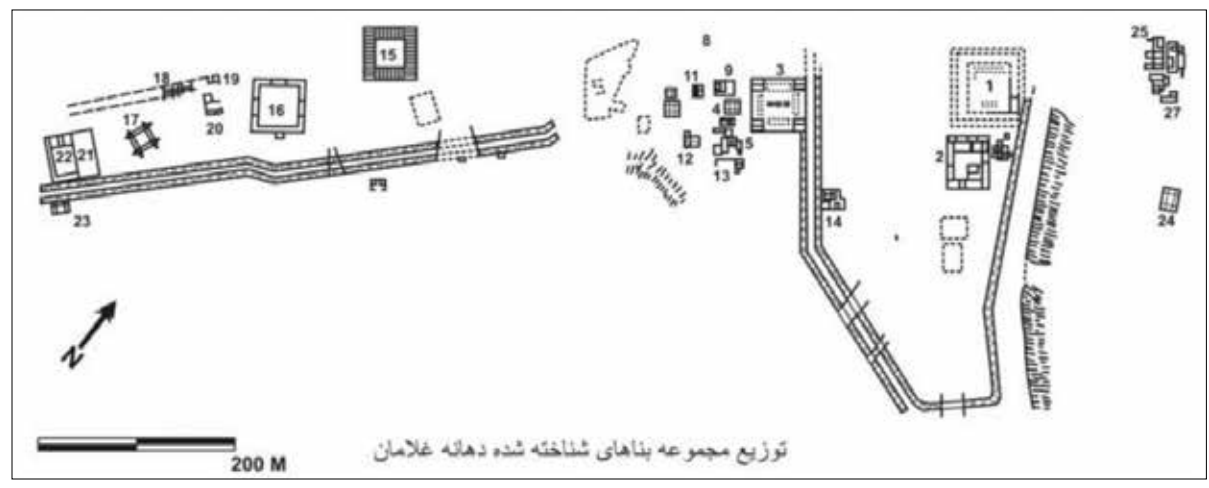
و آشوری‌ها رقابت کند. نویسنده کتاب نتیجه می‌گیرد که در چنان وضعیتی، ایلامی‌ها به‌ناچار برای ادامه حیات اقتصادی خویش، به تقلید از صنعت و هنر سومری‌ها و بابلی‌ها پرداختند و به احتمالی دستاوردهای خود را به نام مصنوعات بین‌النهرینی به بازار عرضه داشتند. در این روند تنها یک استثنا وجود داشت و آن هم اشیای گوناگون تزیینی از قیر طبیعی بود. این کالای ایلامی برای خود نام و شهرتی ویژه در سراسر منطقه به‌دست آورده بود.^{۲۵} بر این اساس، شاید بتوان این برداشت را مجدداً طرح کرد که به نظر می‌رسد نوعی بازار منطقه‌ای در زمان ایلامیان وجود داشته است که عرضه‌ی کالاها در آن صورت می‌گرفته و درواقع محل شکل‌گیری نوعی رقابت منطقه‌ای نیز بوده است.

همچنین پیر آمیه در کتاب خود شهر دوراوتاش متعلق به هزاره سوم پیش از میلاد را، که در جنوب شوش واقع شده است، شهری دارای کارگاه‌هایی برای تولید و عرضه هدایایی از طلا، نقره، مفرغ، و نیز اشیای فلزی معرفی کرده که این کارگاه‌ها در محلی در نزدیکی معبد مقدس در مرکز شهر قرار می‌گرفته‌اند. درواقع می‌توان این‌گونه حدس زد که بازار تا مرکز شهر گسترش یافته بوده است.^{۲۶}

و شرق با منابع غنی چوب (الوار)، سنگ، و فلز امکان‌پذیر می‌کرد.^{۲۳} می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که روابط تجاری میان بخش‌های مختلف امپراتوری ایلامی که هریک دارای محصولات منحصربه‌فرد هستند و به یکدیگر نیازمندند، نشانگر وجود نوعی بازار منطقه‌ای در این تمدن بوده است.

در بخش دیگری از این کتاب، ضمن تشریح وضعیت ایلام پس از پایان یافتن دوره پرشکوهش، قید شده: اگرچه ایلام تا حدودی توانست استقلال سیاسی و فرهنگی خود را حفظ کند، اما سومری‌ها فرهنگ و تمدن ایلامیان را به‌شدت تحت تأثیر خود قرار دادند.^{۲۴}

به‌تبع این تأثیر فراگیر، هنر ایلامیان نیز تحت تأثیر تمدن سومر قرار گرفت. ایلامیان در پیش از اونتاش گال (پادشاه ایلامی) زیر نفوذ همسایه غربی خود در بین‌النهرین بوده و هیچ نوع ارتباط قابل‌توجهی با سرزمین‌های شرقی و شمال شرقی خود در فلات ایران نداشته‌اند. در آن زمان ایلام تنها یک حکومت کوچک محلی زیر نفوذ بین‌النهرین به‌شمار می‌آمد. اقتصاد و صنعت محدود ایلام که به‌سختی قادر به عرضه تولیداتش به بیرون از محدوده جغرافیایی خود بود، به‌هیچ‌رو نمی‌توانست با صنایع شناخته‌شده و بازار بین‌المللی بابلی‌ها



۲۳. یوسف مجیدزاده، تاریخ و تمدن ایلام، ص ۱۳.
 ۲۴. همان، ص ۶۴.
 ۲۵. همان، ص ۸۲.
 ۲۶. پیر آمیه، تاریخ عیلام، ص ۴۵.

ت ۳. نقشه بناهای شناسایی شده در کاوش‌های باستان‌شناسی دهانه غلامان، مأخذ: علایی مقدم و دیگران، «در جستجوی اورگت‌ها (نگرشی بر هویت واقعی استقرارهای هخامنشی کشف شده در سیستان)»، ص ۱۲۸.

باستان‌شناسان پیدا نمی‌شود. همین امر تشخیص بود یا نبود بازار در شهر را بسیار دشوار می‌کند. در خصوص کاربری دقیق بناهای موجود در دهانه غلامان نیز دشوار می‌توان سخن گفت، اما باستان‌شناسان معتقدند ساختمان شماره ۲ دارای کارکرد انبار و شماره ۱۵ مجموعه‌ای از کارگاه صنعتی بوده است. بر اساس کاوش‌های سال ۱۳۷۹ بر روی ساختمان شماره ۱۵، این ساختمان مربعی دارای ۳۶ اتاق دراز و باریک مستطیلی است که در چهار ضلع بنا و گرداگرد یک حیاط مرکزی چهارگوشه با اضلاعی به طول ۵۰ متر قرار گرفته‌اند. شواهد و بقایای پیداشده مانند آسیابها، حوضچه‌ها، لاک‌ها، انبارها، و انبارک‌های متعدد تعداد بسیار زیاد سنگ‌ساب و مشت‌های سنگی مختلف، موره‌ها، و اجاق‌های متعدد در اتاق‌های گوناگون همگی نشان‌دهنده کاربرد صنعتی این ساختمان است.^{۳۲} در خصوص برخی بناهای دیگر نظیر ساختمان شماره ۱ کاوش‌های کافی نشده است، اما شواهد فعلاً روشن می‌کند که این بنا نیز عمومی بوده است.

بنابراین می‌توان فهمید که دهانه غلامان دست‌کم ۳۶ واحد صنعتی و یک انبار بزرگ داشته است. اگرچه این بیان تأییدی قطعی بر وجود بازار در شهر نیست، اما می‌تواند نوعی از تقسیم کار اقتصادی (در عین وحدت اجتماعی) میان شهر دهانه غلامان و سکونتگاه‌های پیرامونی را نشان دهد و احتمال پیدایی بازار را هم قابل‌پذیرش کند. به‌علاوه تنوع سفال‌ها (به‌طور مثال فنجان‌های ناوی که در شمال غربی ایران نیز وجود داشته‌اند) را شاید بتوان مؤید ارتباط ساکنان دهانه غلامان با سرزمین‌های دیگر شاهنشاهی هخامنشی دانست^{۳۳} (ت ۴ و ۵).

۲.۳. شاهد دوم: اسطوره‌ها و حکایت‌های تاریخی

برخی حکایت‌های تاریخی برجایمانده از وجود بازار در آن ایام خیر داده است. به‌طور مثال در بخشی از اسطوره جمشید در *وندیداد* چنین آمده است:

(ت یافته‌های باستان‌شناسی دهانه غلامان: یکی از راه‌های بینش‌افزا و تبیینگر برای ارزیابی فرضیه وجود بازار در زمان هخامنشیان، بررسی یافته‌های باستان‌شناسی در نمونه تاریخی شهر دهانه غلامان است. دهانه غلامان تقریباً در ۴۳ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان زابل واقع شده و مرکز اصلی یکی از ایالات مهم هخامنشیان در جنوب شرقی ایران بوده است. این سرزمین که در معرض طوفان‌ها و بادهای موسمی همراه با پراکندگی شدید و طوفان‌زای شن‌های بیابان‌گرد است، پیش از این سرزمینی حاصلخیز و آباد بوده است. کاوش‌های انجام‌شده تحت نظارت و رهبری امیرتو شراتو، باستان‌شناس ایتالیایی، در سال ۱۹۶۲ در اینجا آغاز شد و منجر به کشف محوطه‌ای قابل‌توجه از نظر شهری شد. اندازه و وسعت دهانه غلامان قابل‌ملاحظه است. اندازه‌های باقی‌مانده از این شهر در حال حاضر حدود ۱/۵ کیلومتر از شرق به غرب و عرضش بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ متر است.^{۳۷} از نظر گاه‌نگاری، این مکان بین قرن‌های ۵ و ۶ پیش از میلاد مورد استفاده بوده است.^{۳۸} در بررسی‌های ابتدایی، نقشه بسیاری از ساختمان‌های روی سطح زمین به‌راحتی مشاهده شد. بدون تردید شهر اصلی بسیار وسیع‌تر از وضع فعلی بوده و بسیاری از آثار و خانه‌های آن بر اثر فرسایش ناشی از باد و طوفان‌های شن از بین رفته است (ت ۳).^{۳۹}

توزیع بناهای متعدد خصوصی و عمومی در منطقه‌ای با وسعت تقریباً ۱۰۰ هکتار، آشکارا ویژگی شهرنشینی منطقه را نشان می‌دهد.^{۴۰} چنان‌که شراتو نیز اشاره می‌کند، ساختمان‌های شماره ۱، ۲، و ۳ در بخش شرقی و شماره‌های ۱۵، ۱۶، ۱۲، ۱۷، ۲۱، و ۲۲ در بخش غربی بیشتر با اهداف مذهبی، شهری، و اجتماعی بنا شده بودند.^{۴۱} ظاهراً با خشک شدن ناگهانی بستر رودخانه‌ای که به شهر آب می‌رسانده (شاخابه‌ای از هیرمند به نام سنارود که با تغییر بستر رودخانه هیرمند خشک شده است)، ساکنان دهانه غلامان شهر را به‌صورت منظم ترک می‌کنند و به همین دلیل، اشیای منقول زیادی در میان یافته‌های

۲۷. سیدسجادی، «درآمد»، ص ۱۶-۱۷.

۲۸. امیرتو شراتو. «نخستین گزارش

مقدماتی کاوش‌های دهانه غلامان

(سیستان ایران ۱۹۶۲-۱۹۶۳)، ص ۲۷.

۲۹. سیدسجادی، «دهانه غلامان

شهری هخامنشی در سیستان»، ص ۹۱.

۳۰. برونو جنیتو، «رایج‌ترین گونه‌های

سفال و تنوع مکانی آنها در دهانه

غلامان سیستان»، ص ۱۷۳.

۳۱. شراتو، همان، ص ۲۶.

۳۲. سیدمنصور سیدسجادی و فرامرز

صابر مقدم، «سه تصویر از دوره

هخامنشی در دهانه غلامان»، ص ۱۵۴-۱۵۵.

۳۳. جنیتو، همان، ص ۱۷۷.

شاید بهترین منبعی که در آن از دوران قدیم، تاریخ و افسانه با پند و عبرت درآمیخته شده و حاوی دستورعمل جامعی در کیفیت کارهای بزرگ کورش است، کتابی به نام *کوروش‌نامه* تألیف گزنفون باشد. او در این کتاب به توصیف خصوصیات ظاهری و اخلاقی کوروش پرداخته است. در قسمتی از کتاب بیان کرده که کوروش سربازان سپاه خود را دربارهٔ چگونگی تقسیم غنائم پند داده و خطاب به آنها گفته است:

یک بازار در اردوگاه تشکیل دهید، سوداگران متاع خویش را به آزادی بفروشند و چون دسته‌ای کالای خود را فروخت، دستهٔ دیگر را فراخوانید.^{۳۶}

این بیان نیز نشان می‌دهد که برخلاف تصور هروودوت، کوروش مشکل بنیادین با بازار نداشته است، بلکه با دروغ‌گویی در خریدوفروش مخالف بوده است.

پس جمشید غاری چهارگوشه به درازای یک میدان اسب برای سکناى مردم و چهار گوشه‌ای به درازای یک میدان اسب برای گاوهای شیرده ساخت در آنجا بازاری ساخت که در آن سبزی‌ها و خوراک فاسدنشونده بودند. در آنجا خانه‌ها ساخت با اتاق‌ها و ستون‌ها و دیوارها و حصارها.^{۳۴}

این بیان تاریخی مربوط به ایران باستان وجود بازار در این شهرها را تأیید می‌کند.

در بخش دیگر از کتاب *وندیداد* نیز برخی شواهد تاریخی آمده است که می‌تواند نشانگر وجود بازار در ایران باستان باشد. در باب‌های هشتم و چهاردهم این کتاب به انواع کارگاه‌های صنعتی مانند کارگاه‌های آهنگری، شیشه‌گری، نقره‌سازی، طلاسازی، و ذوب فلزات و نیز برخی از مقررات مربوط به زمان کار در آنها اشاره شده است.^{۳۵}

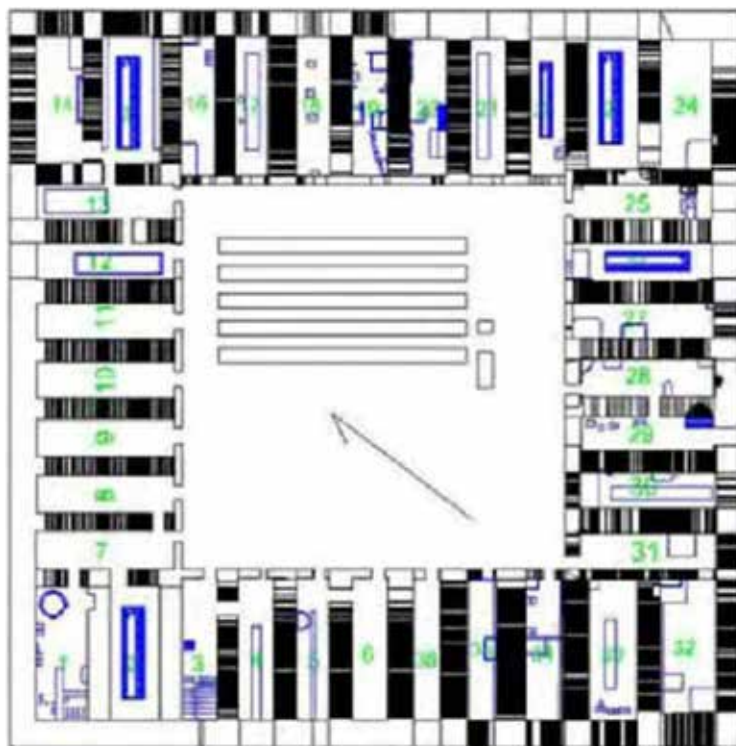
۳۴. سیدمحمدعلی حسینی، همان، ص ۱۹.

۳۵. همان، ص ۹۹-۱۰۱.

۳۶. گزنفون، *کوروش‌نامه*، ص ۱۱۹.

ت ۴ (راست). تصویری از نقشهٔ ساختمان شمارهٔ ۲ (احتمالاً انبار)، مأخذ: سیدسجادی، «درآمد».

ت ۵ (چپ). تصویری از نقشهٔ ساختمان شمارهٔ ۱۵ (احتمالاً کارگاه‌های صنعتی)، مأخذ: سیدسجادی، همان.



۳.۳. شاهد سوم: کوروش اولین شاه هخامنشی است

موافقان دیدگاه اول (تولد بازار در شار پارسی) می‌توانند در دیدگاه دوم (ورود بازار به ایران در دوران سلوکیان) این‌گونه استدلال کنند که ولو اینکه طبق اظهارات پاکزاد به نقل از هرودوت در دوره کوروش، بازاری در ایران شکل نگرفته باشد، ممکن است در ادامه این سلسله پادشاهی، بازار متولد شده باشد؛ زیرا کوروش مؤسس سلسله هخامنشیان و اولین شاه هخامنشی است که مدت ۳۰ سال بر ایران حکومت کرد و پس از او، هخامنشیان ۱۹۰ سال دیگر پابرجا بوده‌اند. بنابراین می‌توان این‌گونه استدلال کرد که حتی اگر هرودوت نقل درستی داشته و در زمان کوروش بازاری در ایران نبوده، ممکن است بازار در دوران دیگر شاهان هخامنشی شکل گرفته باشد.

۳.۴. شاهد چهارم: ضرب سکه در دوره هخامنشیان

فرای نحوه اداره سرزمین‌های وسیع زیر سلطه هخامنشیان را و از ضرب سکه‌هایی از طلا و نقره موسوم به دریک و سیکل خبر می‌دهد. بنابراین شهرهای دوران هخامنشی نقشی بازرگانی می‌یابند.^{۳۷} همچنین سلطان‌زاده با استناد به نقلی از گزنفون مجموعه روابط اقتصادی و اجتماعی دوران هخامنشیان را حاکی از شکل‌گیری برخی از شهرهایی دانسته که در بعضی از آنها بازار به‌منزله فضایی عمومی و مهم و مکانی شلوغ و پرآدم‌شد مورد توجه بوده است. شاید به همین دلیل بود که گزنفون محل آموزشگاه‌های وابسته به حکومت هخامنشیان را دور از بازار دانسته است.^{۳۸}

بر این اساس ضرب سکه در دوران هخامنشیان می‌تواند دلیل بر روابط تجاری گسترده میان شهرهای مختلف و وجود بازار در این دوره باشد؛ زیرا سکه، با عنوان واحد پولی، دادوستد را از نوع سنتی آن خارج کرده و در نتیجه سبب رونق تجارت و بازرگانی در آن دوره شده بود.

۳.۵. شاهد پنجم: ناسازگاری‌های موجود در اظهارات محققان

پاکزاد از محققانی است که تولد بازار را منسوب به دوران سلوکیان می‌داند و اعتقاد دارد قبل از آن بازاری در ایران وجود نداشته است، اما وی در بخشی از کتابش با مطالعه و بررسی سکونت‌های اولیه در ایران، درباره شواهدی در شهرداد پیش از آریایی‌ها سخن می‌گوید که شاید مؤید بازار باشد:

به نظر می‌رسد خشکی بیش از اندازه و میانگین سالیانه ناچیز باران اجازه فعالیت کشاورزی گسترده را به ساکنان شهرداد نمی‌داد، از این رو تنها پیوستن به بازار مبادلات در یک شبکه وسیع تجارت درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای ساکنان شهرداد را قادر می‌ساخت تا گذشته از تأمین نیازهای غذایی، مواد اولیه لازم برای کارگاه‌های صنعتی خود را فراهم کنند.^{۳۹}

اگر چه ممکن است منظور پاکزاد از بازار در جمله پیش گفته، کالبد بازار نباشد، اما دست کم او می‌پذیرد که مبادلات گسترده و نظام‌مند در شهرداد پیش از ورود آریایی‌ها روی می‌داده و بدین ترتیب نمی‌شود از فقدان تقسیم کار و نبود بازار با اطمینان سخن گفت. در ادامه پاکزاد به کشف بقایای فرهنگی موجود در منطقه، با دلالت بر روابط شهرداد با دیگر سکونتگاه‌ها، اشاره کرده است:

وجود کارگاه‌های متعدد صنعت سنگ (عقیق، صابون، و مرمر)، فلزکاری، سفالگری و صنایع نساجی و حصیربافی در شهرداد غیرقابل انکار است. بقایای موجود در منطقه روابط شهرداد با بمپور و خوراب در بلوچستان، تپه یحیی و تپه ابلیس در کرمان، شوش در خوزستان، شهر سوخته سیستان، تورنگ تپه در گرگان، تپه حصار نزدیک دامغان، و چندین منطقه باستانی در ترکمنستان و افغانستان را در نیمه اول هزاره‌ی سوم ق.م به اثبات رسانده است.^{۴۰}

بنابراین، می‌توان از روابط تجاری میان شهرداد حتی با شهرهایی در شمال ایران سخن گفت. چطور ممکن است کاروان‌هایی از ترکمنستان و گرگان امروزی به شهرداد بیابند تا اجناس خود را

۳۷. ریچارد نلسون فرای، میراث باستانی

ایران، ص ۱۸۶.

۳۸. سلطان‌زاده، همان، ص ۱۷.

۳۹. پاکزاد، همان، ص ۳۱.

۴۰. همان.

به فروش بگذارند، اما فضایی برای این کار وجود نداشته باشد؟ همچنین پاکزاد ضمن اشاره به آثار مربوط به وجود صنعتگران در شهر سوخته و شواهدی مبنی بر گستردگی مبادلات اقتصادی، شهر سوخته را محلی برای ساختن و توزیع معرفی می‌کند که این خود می‌تواند تعریفی از یک بازار منطقه‌ای باشد. پاکزاد در این باره می‌گوید:

در این محوطه تاریخی وجود یک نظام گسترده مبادلات اقتصادی می‌توانست زندگی ساکنان را تأمین کند. آثار و بقایای به دست آمده از نتیجه کاوش‌ها، همه این واقعیت را نشان می‌دهند که این نقطه محلی برای ساختن و توزیع بوده است. این تولیدها، همراه با یک نظام مبادلاتی سازمان یافته با همسایگان شرق، شمال، و شمال شرق، نیازمندی‌های ساکنان این شهر را تأمین کرده است.^{۴۱}

بنابراین طبق مستندات می‌تواند عرض می‌کند، شهر سوخته و شهداد، به مثابه مرکز تجارت و بازرگانی، خود می‌تواند نقش یک بازار منطقه‌ای را تأیید کند. طبیعی است که شهری که مرکز تجارت بین‌المللی باشد، فضای مشخصی برای خرید و فروش دارد که کاروانیان و مسافران شهرهای مختلف بتوانند اجناس خود را در آنجا عرضه و اجناس مورد نیازشان را تهیه کنند.

۳.۶. شاهد ششم: بیان هرودوت

هرودوت در فصل هشتم کتاب تاریخ خود، ماجراهای پس از فتح لودیا توسط کوروش را تشریح می‌کند. به گفته او، ایونی‌ها ابتدا از کوروش می‌خواهند که ایشان را متحد خود بداند، اما کوروش نمی‌پذیرد. سپس ایونی‌ها سفیرانی برای استمداد به اسپارت می‌فرستند، اسپارت‌ها با وجود پاسخ منفی که به درخواست هیئت ایونی می‌دهند، قایقی با ملاحان اسپارتی به سوی ساحلی که کوروش آنجا بود می‌فرستند تا او را تحت نظر داشته باشند. سپس کوروش برای تحقیر اسپارت‌ها می‌گوید:

«این اسپارتی‌ها کی بودند و عده ایشان چقدر بود که اقدام به فرستادن چنین اظهاریه‌ای به او نمودند» و چون جواب ایشان را

شنید رو به قاصد اسپارتی نموده، گفت: «من تا کنون از مردمی که در درون شهرهای خود مانده و در میدان جمع می‌شوند تا به قید سوگند به یکدیگر دروغ بگویند هرگز بی‌یمنی نداشته‌ام». سپس هرودوت می‌افزاید کوروش با این حرف قصد سرزنشی به تمام ایونی‌ها داشت، چون ایشان بازارها و میدان‌هایی برای کار دادوستد داشتند ولی در میان ایرانیان هیچ رسم نیست که در بازارهای عمومی خرید و فروش کنند و در واقع در تمام کشور خود یک بازار هم ندارند.^{۴۲}

با عنایت به این عبارت، نتیجه‌ای که پاکزاد گرفته دور از ذهن نیست. اما در اینجا چند نکته وجود دارد: یکی اینکه جمله «میان ایرانیان هیچ رسم نیست که در بازارهای عمومی خرید و فروش کنند» از کوروش نقل نمی‌شود، بلکه محصول شناخت هرودوت از ایران است. دوم اینکه کوروش در مقام رجزخوانی و خوار کردن دشمن، به ماندن ایشان در شهر و دروغ‌پردازی ایشان در زمان تجارت اشاره می‌کند، وگرنه اصل تجارت را (اگر توأم با راستی باشد) زیر سؤال نمی‌برد (چنان که پیش‌تر و در توضیح شاهد دوم به نقل گزنفون از کوروش خطاب به سربازاران برای تشکیل بازار اشاره شد). سوم اینکه ظاهراً بازارهای ایونی‌ها صرفاً مرکزی برای خرید و فروش بوده و نه محلی برای تولید. در حالی که بازارهای ایرانیان هم‌زمان شامل مجموعه‌ای از کارگاه‌ها نیز می‌شده و از این جهت احتمالاً میدانی مشابه میدان‌های یونانی (که صرفاً برای خرید و فروش باشد) در شهرهای ایرانی یافت نمی‌شده است. اما شاید بتوان گفت اینکه بازاری مبتنی بر اخلاق و راست‌گویی وجود نداشته باشد که مکان تولید و عرضه محصولات مختلف باشد از این عبارت قابل برداشت نیست. چنان که در ماجرای فتح بابل، مطابق متن عبری، بخشی از فرمان کوروش در کتاب عزرا به این شرح است:

کوروش بیانیه‌ای در سراسر قلمروی خود صادر کرد و در عین حال آن را به نوشتار درآورد. بدین ترتیب کوروش شاه ایران چنین

۴۱. همان، ص ۲۸.

۴۲. هرودوت، تاریخ هرودوت، ص ۱۱۰-

می‌گوید: بهوه خدای آسمان تمام پادشاهی زمین را به من داده است، و به من مأموریت داده که برای وی خانه‌ای در اورشلیم بسازم... هر کس بین شما که میل دارد می‌تواند به اورشلیم برود... و کوروش ظرف‌هایی که از معبد اورشلیم به بابل آورده شده بودند را که نزد میترداد خزانه‌دار بود آورد و آن را به شش بازار داد.^{۴۳}

بنابراین مشاهده می‌شود که کوروش مشکل بنیادینی با بازارها نداشته است.

۷.۳. شاهد هفتم: وجود جاده‌های تجاری

با توجه به گستردگی قلمروی حکومت هخامنشیان، یکی از اقدامات مهم در این دوران بازسازی راه‌های پیشین و احداث راه‌های مواصلاتی جدید و حفظ امنیت تردد در آنها بود. همه بخش‌های شاهنشاهی هخامنشی از طریق جاده‌های شاهی و جاده‌های فرعی با یکدیگر مرتبط شده بودند و همین جاده‌ها باعث ازدیاد رفت‌وآمد و روابط تجاری و فرهنگی می‌شدند.^{۴۴} در این دوره هم راه‌های ارتباط دریایی و هم زمینی هر دو فعال بودند.^{۴۵} گستره این راه‌ها و تبادلات موجود در آنها به حدی است که شاهنشاهی هخامنشیان را امپراتوری ارتباطات دانسته‌اند.^{۴۶} طالبیان به راه‌های فرهنگی-تجارتی اشاره می‌کند و از سه راه شاهی، ابریشم، و ادویه نام می‌برد که مسیرهای تبادل کالا بوده‌اند.^{۴۷} وجود این راه‌ها و روابط تجاری میان شهرها نشان می‌دهد که احتمالاً باید مکانی برای حضور کاروانیان تاجر و عرضه محصولاتشان و نیز خرید محصولات شهری وجود داشته باشد. نمی‌شود تصور کرد که کاروان تجاری به شهرهایی بیابند که میدان یا بازاری برای خریدوفروش محصولات نداشته باشند.

حتی پیش از هخامنشیان نیز تجارت کالا از طریق راه‌های تجاری مرسوم بوده است. بقایای محوطه‌های باستانی در کنار راه‌های کنونی و آبادی‌های بزرگ (تپه حصار دامغان، چشمه‌علی ری، تپه سیلک کاشان، تپه گیان نهاوند، تل باکون

حوالی تخت جمشید، و ...) و آثار و اشیای مکشوفه در این نقاط و همچنین شباهت میان این آثار معلوم می‌دارد که این آبادی‌ها مراکز اجتماعی منفرد و منزوی نبودند، بلکه از زمان‌های بسیار قدیم راه‌های ارتباطی میان این آبادی‌ها برقرار بوده و کاروان‌هایی در مسیر آنها به رفت‌وآمد و حمل کالاهای گوناگون می‌پرداختند.^{۴۸} می‌توان تصور کرد که این راه‌ها غیر از رفت‌وآمد، باید مکان‌هایی برای خریدوفروش کالاهای تجاری در شهرها نیز بوده باشند.

۴. تحلیل و نتیجه‌گیری

پژوهش در منشأ پیدایش بازار عنوان وسیعی است که تلاش محققان مختلف در عرصه تاریخ، جغرافیا، جامعه‌شناسی، و معماری و شهرسازی را می‌طلبد. بدون شک ریشه پیدایش بازار در ایران به تاریخ قبل از اسلام بازمی‌گردد. اما در خصوص زمان دقیق آن دو فرضیه غالب مطرح است که با یکدیگر متناقض هستند. شواهد تاریخی مطرح در این باره، احتمال وجود بازار در دوران هخامنشیان را تأیید می‌کنند و به این ترتیب فرض پیدایش نخستین بازار در دوران سلوکیان، که دیرتر از هخامنشیان به حکومت رسیدند، رد می‌شود. اما یافته‌های باستان‌شناسی که در سکونتگاه‌های کهن ایرانی انجام گرفته است، از شواهدی مبنی بر وجود بازار در این دوران نیز خبر می‌دهد. به بیان دیگر مطالعات گویای این هستند که بازار حتی پیش از حکومت هخامنشیان نیز در ایران بوده است و منشأ پیدایش آن به هزاره‌های سوم و چهارم پیش از میلاد بازمی‌گردد. اگرچه بازار به شکلی که امروز می‌توان شاهد آن بود در این سکونتگاه‌ها وجود نداشته است، اما کارگاه‌های صنعتی کشف‌شده که در بخش خاصی از شهر استقرار یافته بودند، گویای وجود نوعی منطقه‌بندی شهری هستند که بازار را ناحیه‌ای مستقل در شهر معرفی می‌کند. به بیان دیگر در شهرهای ایران باستان محل دادوستد وجود داشته است، اما

۴۳. محمد داندامايف، تاریخ سیاسی

هخامنشی، ص ۸۵.

۴۴. سهم‌الدین خزائی، «راه‌های ارتباطی

خشکی در دوره هخامنشی»، ص ۳۸.

۴۵. همان، ص ۳۹.

۴۶. لیلا مکوندی، «چه کسانی در

راه شاهی به مسافران خدمات ارائه

می‌کردند»، ص ۱۵۸.

۴۷. محمدحسن طالبیان، «منظر راه در

ایران»، ص ۷۴.

۴۸. همان.

به شکل بازار امروزی نبوده، بلکه محلی برای تولید و عرضه به‌طور هم‌زمان به‌حساب می‌آمده است. به‌علاوه وجود تبادلات گسترده، پیدا شدن آثار شهرهای مختلف در شهرهای دور

دیگر که نشانگر گستره تبادلات تجاری بوده و وجود راه‌های و کاروان‌های تجاری مبین اهمیت فضای تجاری در شهرهای دوران هخامنشیان و حتی پیش از آن است.

منابع و مأخذ

آمیه، پیر. تاریخ عیلام. ترجمه شیرین بیانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.

بدناریک، رابرت. آفرینش گذشته انسان: معرفت‌شناسی باستان‌شناسی پلئستوسن. ترجمه وحید عسکری‌پور. تهران: پگاه روزگار نو، ۱۳۹۸.

پاکزاد، جهان‌شاه. تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران از آغاز تا دوران قاجار. تهران: آرمانشهر، ۱۳۹۴.

پیگولوسکایا، نینا ویکتورونوا و دیگران. تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی. ترجمه کریم کشاورز. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۳.

جینتو، برونو. «رایج‌ترین گونه‌های سفال و تنوع مکانی آنها در دهانه غلامان سیستان». ترجمه حسین سرحدی دادیان. در مجموعه مقالات دهانه غلامان، شهری هخامنشی در جنوب شرقی ایران، سیدمنصور سیدسجادی، تهران: آریارمنا، ۱۳۹۸، ص ۱۷۳-۱۸۶.

حیبی، سیدمحسن. از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.

خزائی، سهم‌الدین. «راه‌های ارتباطی خشکی در دوره هخامنشی»، در فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، سال پنجاه و دوم، ش ۴ (۱۳۹۵)، ص ۳۷-۵۸.

داندامایف، محمد. تاریخ سیاسی هخامنشی. ترجمه فرید جواهرکلام. تهران: نشر پژوهش فروزان، ۱۳۹۸.

سلطان‌زاده، حسین. بازارهای ایرانی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۹۳.

_____. تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران (از دوران باستان تا ۱۳۵۵ ه.ش). تهران: انتشارات چهارطاق، ۱۳۹۰.

سیدمنصور سیدمنصور و فرامرز صابرمقدم. «سه تصویر از دوره هخامنشی در دهانه غلامان». در مجموعه مقالات دهانه غلامان، شهری هخامنشی در جنوب شرقی ایران، سیدمنصور سیدسجادی، تهران: انتشارات آریارمنا، ۱۳۹۸، ص ۱۵۳-۱۷۱.

_____. «شهر سوخته و جایگاه آن در تاریخ باستانی فلات ایران». در مجموعه مقالات شهر سوخته یک، سیدمنصور سیدسجادی، انتشارات

اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۸، ص ۳۹-۷۹.

_____. «درآمد». در مجموعه مقالات دهانه غلامان، شهری هخامنشی در جنوب شرقی ایران، سیدمنصور سیدسجادی، تهران: انتشارات آریارمنا، ۱۳۹۸.

_____. «دهانه غلامان شهری هخامنشی در سیستان». در مجموعه مقالات دهانه غلامان، شهری هخامنشی در جنوب شرقی ایران، سیدمنصور سیدسجادی، تهران: انتشارات آریارمنا، ۱۳۹۸، ص ۸۹-۱۲۶.

شبان، رحیم. «بازار و بازاریان در تمدن اسلامی». در فصلنامه پارسه، ش ۲۷ (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)، ص ۹۷-۱۳۲.

شراتو، امبرتو. «تختین گزارش مقدماتی کاوش‌های دهانه غلامان (سیستان ایران ۱۹۶۲-۱۹۶۳)». ترجمه حسین سرحدی دادیان. در مجموعه مقالات دهانه غلامان، شهری هخامنشی در جنوب شرقی ایران، سیدمنصور سیدسجادی. تهران: انتشارات آریارمنا، ۱۳۹۸، ص ۲۵-۶۶.

طالبیان، محمدحسن. «منظر راه در ایران». در مجله منظر. ش ۳۶ (۱۳۹۵)، ص ۷۲-۷۷.

علایی مقدم، جواد و سیدرسول موسوی حاجی و رضا مهرآفرین. «در جستجوی اورگت‌ها (نگرشی بر هویت واقعی استقرارهای هخامنشی کشف‌شده در سیستان)»، در مطالعات باستان‌شناسی. دوره ۸، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۵). ص ۱۱۳-۱۳۲.

فرای، ریچارد نلسون. میراث باستانی ایران. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.

گرانوسکی، ادوین آردیدوویچ و دیگران. تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز. ترجمه کیخسرو کشاورزی. تهران: پویش، ۱۳۵۹.

گروهی از دانشمندان جهان به سرپرستی یونسکو. تاریخ پیشرفت علمی و فرهنگی بشر، ج ۱. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.

گزنون. کوروش‌نامه. ترجمه رضا مشایخی. تهران: نشر علمی فرهنگی، ۱۳۸۶.

مجددزاده، یوسف. *تاریخ و تمدن ایلام*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.
 وندیداد. ترجمه سیدمحمدعلی حسینی داعی الاسلام، ۱۳۶۱.
 هرودوت. *تاریخ هرودوت*. ترجمه انگلیسی جرج راولین سن. ترجمه فارسی
 وحید مازندرانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
 ص ۱۵۷-۱۷۵.

Glasziou, Paul P. & Les M. Irwig. "An Evidence Based Approach to Individualising Treatment". In *BMJ*, 311 (1995), pp. 1356-1359. <https://doi.org/10.1136/bmj.311.7016.1356>.

Hammersley, Martyn. *Educational Research and Evidence-based Practice*, SAGE Publications, 2007.

Mendes, Karina Dal Sasso & Renata Cristina de Campos Pereira Silveira & Cristina Maria Galvão. "Integrative Literature

Review: a Research Method to Incorporate Evidence in Health Care and Nursing". In *Reflexão. Texto contexto - enferm*, 17(4) (2008). <https://doi.org/10.1590/S0104-07072008000400018>

<https://www.google.com/amp/s/saednews.com/fa/post/aashnail-ba-shgfti-hai-shhr-sokhth-zabl/amp>

■ **The Birth of the Bazaar in the Iranian City: An Assessment of the Hypotheses on the Emergence of the First Bazaars in Iran**

Mohammadsaleh Shokouhi Bidhendi, PhD (corresponding author)

Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology

Sheida Shadkam

MSc.in Regional Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology

For thousands of years, the diverse needs of human beings have been met through the exchange of products with others. This has led to the construction of designated spaces and places called bazaars in various forms. The bazaar has long been one of the most important elements in shaping the structure of Iranian cities, but there is no consensus among experts on the origin of the bazaar. There are at least two different views about its origins. Seyed Mohsen Habibi attributes the emergence of the bazaar to the Achaemenid period. But some other scholars such as Jahanshah Pakzad consider the birth of the bazaar as dating back to the Seleucid period, considering Greek roots for it. This article is a foundational, qualitative and documentary study, trying to evaluate both views, based on the available historical documents and evidences, to identify a stronger hypothesis. Since the purpose of this study is to investigate the origin of the bazaar in Iran, the focus is only on pre-Islamic Iran. The findings refute the view about the Greek origin of the bazaar, and favours the view of the birth of the market during the Achaemenid period as the more probable. However, this is far from definitely true, because there is also some evidence indicating the origin of the market to be before the Achaemenid era, as the ancient settlements of Iran also had their version of the bazaar.

Keywords: Bazaar, Iran, History of the city, Achaemenids, Seleucids.